ادامه از صفحه ۵

ایران ۲ دهه دیرتر هدفمندی را شروع کرد

هفتم، در مکزیک شناسایی دقیق درآمدی صورت گرفت و همچنین خود مردم درگیر جدی یارانه شدند و رسانه‌ها بسیار همراهی کردند. هشتم، در پرو بر اساس اولویت جمعیت، یارانه مصرفی پرداخت می‌شد، تنها دو دهک آخر هدف‌گذاری می‌شد و انجمن‌های مردمی و علمی هدایت‌گر اصلی بودند. نهم، در برزیل گروه‌بندی دقیق دهک‌ها بسیار کارساز و عامل اصلی موفقیت برنامه بود.

۷- می‌توان بسته پیشنهادی در مورد اصلاح برنامه یارانه‌ای دولت جدید ایران را در راستای خطوط زیر ترسیم کرد: یکم، کارگروه تخصصی اصلاح یارانه با اختیارات کافی شکل گیرد که ضمن اولویت‌دهی اساسی به یارانه تولید، اولین کار آن شناسایی جامعه هدف در مصرف باشد. زمینه این شناسایی ضمن دقیق بودن، با توجه به تجربه نزدیک ۴۰ تجربه، خیلی دشوار نیست. دوم، با وجودی که اکثر کشورها جامعه هدف پرداخت یارانه مصرفی را دو دهک آخر درآمدی را قرار می‌دهند، در ایران به دلیل ملاحظات خاصی مناسب است که سه دهک آخر هدف قرار گیرد. یکی از این ملاحظات وضع نامناسب ضریب جینی در ایران است.

در نتیجه مدیریت ۹۱-۸۴ این ضریب به بین ۴۵درصد تا ۵۲درصد رسیده است که ناعادلانه‌بودن توزیع را نشان می‌دهد. قابل ذکر است که عملکرد یارانه در سال‌های ۵۲ تا ۸۳ بسیار معقول‌تر و میانگین ضریب جینی بین ۳۵ تا۴۴درصد بوده است. دوم، قانون برنامه چهارم و به ویژه ماده ۳ آن پیش‌زمینه مناسبی در رابطه با اصلاح یارانه‌ها در ایران خواهد بود. زیرا آن برنامه بر نوعی اصلاح تدریجی استوار است. روح برنامه چهارم همچنین بر بهبود فضای کسب‌وکار و همراهی رشد و سیاست یارانه‌ای تاکید دارد که نیاز ضروری شرایط تورم ـ رکودی فعلی کشور است. گذشته از این مناسب است به سه دهک هدف، یارانه کالایی به‌جای یارانه نقدی پرداخت شود. بدیهی است در صورت هدف‌گذاری سه‌دهک آخر سهم یارانه‌ای آنها می‌تواند به‌طور معناداری بیشتر از رقم ناچیز یارانه فعلی باشد. سوم همزمانی برنامه اصلاح یارانه با روند حرکت چند متغیر و چند نهاد دیگر در سطح کلان است. اولویت در ایجاد فرصت‌های شغلی و مبارزه جدی با بیکاری، به همراه اصلاح ساختار مالیاتی و اصلاح فضای رسانه‌ها بسیار کارساز است. تجربه دست‌کم ۳۸ کشور در این رابطه بسیار راهگشا بوده است. به ویژه همراهی رسانه‌های همگانی با برنامه اصلاح یارانه در توجیه مردمی نقش بالایی دارا بوده است. چهارم سامان‌دهی نسبی حمل‌ونقل عمومی با همکاری شوراهای شهر و کمیته‌های مردمی و دیگر عناصر جامعه مدنی و توان توجیه‌گری شبکه‌های اجتماعی در مورد منافع بلندمدت حذف تدریجی یارانه‌ها نیز در این راستا کارساز می‌باشد. پنجم، یک تدبیر زیر ساختی تکمیلی و به عبارت واضح‌تر یک پیش‌شرط کلیدی برای پاسخگوبودن مراحل چهارگانه قبلی، شکل‌گیری واقعی بخش خصوصی (با خروج شبه‌دولتی‌ها) و اعتمادسازی دولت جدید برای لغو تحریم‌های بین‌المللی و گسترش سرمایه‌گذاری خارجی در مرحله پس از آن می‌باشد زیرا به‌ویژه برای بخش ایجاد فرصت‌های شغلی از برنامه اصلاح یارانه، کشور نیاز حیاتی به این سرمایه‌گذاری یا حتی استقراض دارد. باید این مطلب نصب‌العین قرار گیرد که شرایط تورم-رکودی فعلی ایران نیازمند نوعی رشد اقتصادی معادل برنامه چهارم (هشت‌درصد) نیز می‌باشد. می‌توان اطمینان داد که مردم بزرگ ایران با ضریب هوشی بالا و قدرت انتخاب‌های خاصی (در لحظات حساس) که دارند، همراهی کافی با هر نوع برنامه اصلاح یارانه را خواهند داشت، هرچند پذیرش این برنامه در کوتاه‌مدت برای آنها قدری هزینه‌بر باشد. این مردم هشیار می‌دانند که اگر پرداخت یارانه به شکل فعلی به‌طور میانگین پنج‌درصد بر درآمدشان افزوده است، حداقل موجب هفت‌درصد افزایش قیمت‌ها شده است (فرض شده که سهم افزایش قیمت‌ها به دلیل برنامه یارانه‌ها هفت‌درصد باشد). به عبارت دیگر اکثریت مردم ایران به‌خوبی پدیده «توهم پولی» را درک می‌کنند. شکل‌گیری عملی و واقعی مراحل پنج‌گانه فوق، موجب گسترش بهره‌وری و عرضه کل خواهد شد که آثار ضمنی آن می‌تواند به بهبود بخش تورمی از معضل فعلی تورم - رکودی کشور نیز منجر شود. در این صورت دریافت رفاهی دهک‌های ۴ تا ۹ بالا درآمدی، بسیار بیشتر از دریافت مبلغ فعلی است. این امر در عین حال از وابستگی تاریخی مردم به درآمدهای دولت می‌کاهد و زمینه زندگی شرافتمندانه‌تری را برای اکثریت فراهم می‌کند که از اهداف بلندمدت هر جامعه پیشرفته است. از منظر تئوری اقتصادی، خانوارهایی که هنگام افزایش درآمد اسمی‌شان (مثلا به دلیل دریافت یارانه)، برای محاسبه قدرت خرید (و درآمد حقیقی) خود، افزایش قیمت‌ها را نیز در نظر می‌گیرند، پدیده توهم پولی (Money Illusion) را درک می‌کنند. آنها به‌خوبی می‌دانند که افزایش پنج‌درصد درآمد به‌خاطر یارانه چون با هفت‌درصد افزایش قیمت همراه است، نه‌تنها باعث افزایش، بلکه موجب کاهش قدرت خریدشان شده است. هنگام برخورد با اکثریت مردم جامعه ایرانی این درک واضح است. بدیهی است خانوارهایی که به محض دریافت یارانه و بدون توجه به اثر آن بر تورم، تصور می‌کنند که درآمدشان افزایش یافته است، دچار توهم پولی هستند.

یادداشت روز

امیدوارم حرف‌هایمان شنیده شود

لیلی گلستان
مدیر گالری گلستان

من و جمعی از اعضای هنرهای تجسمی بیانیه‌ای خطاب به وزیر ارشاد ارسال کردیم چون وظیفه خود می‌دانستیم خواسته‌هایمان را به عرض وزیر ارشاد برسانیم. تا آنجا که من می‌دانم ایشان آشنایی زیادی با حیطه هنر ندارند و ما وظیفه خود می‌دانستیم این حیطه و کمبودهای آن را برایشان تعریف کنیم. کاری که ایشان می‌توانند بکنند، این است که نوشته ما را به‌دقت بخوانند و آن را به شخصی که در مسند معاونت هنری می‌نشیند، انتقال دهند. امیدواریم این‌بار حرف‌هایمان شنیده شود و اهالی هنرهای تجسمی را در تصمیم‌گیری‌هایشان مورد مشورت قرار دهند.

الهی آمین یارب‌العالمین.

جواد شمقدری

محمد بهشتی

واکنش «بهشتی» به سخنان رییس سابق «سازمان سینمایی»:

شمقدری اطلاعات زیادی ندارد

شرق: جواد شمقدری می‌گوید کسانی که دنبال حذف سازمان سینمایی هستند، روزگاری سینما را بر اساس الگوی چپ و تجربه اتحاد جماهیر شوروی بنیان گذاشتند.

این واکنش رییس سازمان سینمایی نسبت به گزارش هفته گذشته «شرق» است. هفته گذشته در دیدار هنرمندان سینما با علی جنتی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی موضوع کوچک‌ترشدن عرصه تصدی‌گری بخش دولتی در حوزه سینما مطرح شد، بر اساس این پیشنهاد روزنامه «شرق» در گزارشی درباره لزوم کوچک‌ترشدن دولت و تقویت بخش خصوصی در عرصه سینما با کارشناسان به گفت‌وگو نشست؛ گفت‌وگویی که به مذاق معاونت سینمایی خوش نیامد. شمقدری در یکی از گفت‌وگوهای متعددش در روزهای پایانی حضور در بهارستان با یکی از خبرگزاری‌ها، این گزارش را ژورنالیستی دانسته و منتقدان سازمان سینمایی را کسانی که با استناد به الگوهای اتحاد جماهیر شوروی بنیاد سینمای ایران را گذاشته‌اند دانست: «سازمان سینمایی یک ارزش خاصی دارد که حتی سایر حوزه‌های هنری هم بدشان نمی‌آید تا به سازمان تبدیل شوند. اما هم رویکرد این دولت و هم نگاه کل کشور برنامه‌های سوم و چهارم توسعه این است که تصدی‌گری را کاهش دهند. اما شعار کاهش تصدی‌گری در دوره‌های اخیر دارد مطرح می‌شود و قبلا اصلا دنبال آن نبودند، به‌خصوص در دولت مهندس موسوی که گرایش به چپ داشتند و الگوی آنها حکومت‌های کمونیستی آن دوره بود، اساسا دنبال این بودند که همه تصدی‌ها را در اختیار خود بگیرند. درواقع الگوی دوره ۱۰ساله آقایان «انوار» و «بهشتی» متاثر از الگوی مهندس موسوی الگویی بود که ناظر بر سیستم شوروی سابق بود. سیستم شوروی سابق هم می‌گفت همه‌چیز باید در اختیار دولت باشد و جای تعجب دارد که این دوستانی که خودشان کاملا منطبق بر آن الگو عمل می‌کردند، همه‌چارچوب‌های دولتی را به سمت تصدی‌گری بیشتر دولت بردند.»

سیدمحمد بهشتی با رد صحبت‌های شمقدری گفت: «من حرف‌های ایشان را کاملا تکذیب می‌کنم.» بر اساس گفته‌های بهشتی زمانی که قرار بود بنیاد سینمایی فارابی راه‌اندازی شود، در سینمای جهان سه الگوی مشخص وجود داشت: «الگوی سینمای آمریکا که سینما کاملا در اختیار بخش خصوصی اداره می‌شد. الگوی دوم اتحاد جماهیر شوروی بود که مبتنی بر سینمای کاملا دولتی بود.» در این سیستم اهالی سینما در استخدام دولت بودند. اما جز این دو الگو یک الگوی دیگر هم وجود داشت. الگوی سینمای اروپای‌غربی که در این سیستم دولت نقش حمایتی و نظارتی داشت و بخش خصوصی سینما را اداره می‌کرد. این الگویی بود که در آن زمان توسط مسوولان سینمایی کشور یعنی فخرالدین انوار و سیدمحمد بهشتی برای سینمای ایران انتخاب شد. شمقدری در جای دیگری از گفت‌وگوی خود البته خطاب به منتقدان سازمان سینمایی گفت: «شما کسانی هستید که اتفاقا دنبال این بودید که هر چه بیشتر در حوزه دولت تصدی‌گری کنید و همین کار را هم کردید. معاونت سینمایی که به ما میراث رسید این معاونت عمده ساختارهایش در حوزه آقایان انوار و بهشتی شکل گرفت و در این دوره قوام یافت.» اما بهشتی در مقابل این ادعا می‌گوید: «در آن زمان سینمایی وجود نداشت که بخش خصوصی یا دولتی بخواهد به‌دنبال آن بروید. باید سینما راه‌اندازی می‌شد تا بعد در مورد آن بحث کنیم.» بهشتی با ارجاع به نخستین مصاحبه‌اش بعد از راه‌اندازی بنیاد سینمایی فارابی می‌گوید: «من در آن مصاحبه گفتم به امید روزی که بنیاد سینمایی فارابی نباشد. این یعنی که قرار بود ما به حضور بخش خصوصی در سینما کمک کنیم. اگر اندیشه دیگری داشتیم برای ماندگاری بنیاد سینمایی فارابی آرزو می‌کردم.» نخستین رییس بنیاد سینمایی فارابی با اشاره به برخی صحبت‌های شمقدری می‌افزاید: «ایشان به دلیل اینکه اطلاعات زیادی ندارد نکاتی را مطرح می‌کنند که درست نیست.»

صفارهرندی به من پست نداد

بحث تبدیل سازمان سینمایی به معاونت سینمایی تنها موضوعی نبود که شمقدری در گفت‌وگوهای پرتعداد روز دوشنبه سوم شهریور خود با خبرگزاری‌ها مطرح کرد. او در گفت‌وگوی دیگری از اختلافات محمدحسین صفارهرندی با محمود احمدی‌نژاد و خودش گفت. مهم‌ترین این اختلافات شاید از آنجایی بود که شمقدری از بازی قدرت کنار گذاشته شد و برخلاف توافق اولیه به او پستی سپرده نشد.

او در این گفت‌وگو با اشاره به اینکه صفارهرندی پیشنهاد او بود و احمدی‌نژاد بعد از انتخاب او خواسته که با شمقدری «وزارت ارشاد» را درست کنند، گفته: «من حتی یکی، دو بار خدمت آقای صفارهرندی رفتم و طرح موضوع کردم اما نهایتا هیچ اتفاقی نیفتاد و به آقای احمدی‌نژاد گفتم ظاهرا ایشان تمایلی به همکاری با بنده ندارد و چون این موضوع خلاف نظر اولیه رییس‌جمهور بود، دلخور شدند.»

افتخارات یک دوره پرتنش

جواد شمقدری در چند روز آینده باید صندلی ریاست خود را در سازمان سینمایی تحویل مدیر بعدی دهد. صندلی‌ای که چهارسال گذشته هنر هفتم در ایران را به پر چالش‌ترین و حاشیه‌سازترین بخش فرهنگی کشور تبدیل کرد؛ حاشیه‌هایی که صدای خیلی‌ها از جمله علی جنتی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی را درآورده، جنتی در نشست با اهالی فرهنگ و هنر از وضعیت سینما انتقاد کرد و در جمع خبرنگاران از انتخاب فردی آگاه به سینما خبر داد. اما شمقدری در مقابل این‌همه انتقاد سعی در تطهیر دوران خود دارد. او در نامه‌ای که آخر هفته گذشته به جنتی نوشت به‌طور تیتروار از افتخارات دوران خود گفت؛ مواردی که تعجب اهالی سینما را به‌همراه داشت. یکی از مواردی که او مطرح کرده بود، دریافت جایزه اسکار برای سینمای ایران بود. او این افتخار را در حالی به خودش منسوب کرد که فیلم «جدایی نادر از سیمین» در نیمه‌راه ساخت به دستور مستقیم شمقدری متوقف شد. آن هم به‌دلیل صحبت‌های اصغر فرهادی در حمایت از خانه سینما. شمقدری در همان زمان دریافت اسکار، دریافت آن را افتخاری ندانست و آن را معادل سینمای گچساران کرد. اما مشخص نیست این جایزه بی‌اهمیت چطور در ماه‌های پایانی حضور او در سازمان سینمایی جزو افتخاراتش شده است؟

در بیانیه ۷۰۰ هنرمند خطاب به وزیر ارشاد مطرح شد

اجتناب از تنگ‌نظری در هنرهای تجسمی

شرق: حدود ۷۰۰ نفر از اعضای جامعه هنرهای تجسمی شامل هنرمندان و مدیران گالری در بیانیه‌ای که در اختیار روزنامه «شرق» قرار گرفته، خطاب به دولت جدید و وزیر ارشاد، خواسته‌ها و پیشنهادهای خود را برای بهبود وضعیت این حوزه عنوان کرده‌اند. از جمله امضاکنندگان این بیانیه می‌توان به محمد احصایی، رویین پاکباز، کورش شیشه‌گران، پرویز کلانتری، لیلی گلستان، سیمین اکرامی، بابک اطمینانی، فاطمه امدادیان، فرح اصولی، ثمیلا امیرابراهیمی، هادی جمالی، یحیی دهقانپور، بهرام دبیری، مریم سالور، حمید سوری، احمد عالی، رضا عابدینی، محمدحسین عماد، یعقوب عمامه‌پیچ، امرالله فرهادی، رعنا فرنود، پری‌یوش گنجی، منوچهر معتبر، نصرت‌الله مسلمیان، حسین ماهر، عباس مشهدی‌زاده، مینا نوری، کریم نصر، گیزلا وارگاسینایی، رضا یاراحمدی و... اشاره کرد. در بخشی از این بیانیه آمده است: «اینک، همراه با تغییر در مدیریت سیاسی کشور جامعه هنری ایران پس از هشت سال تحمل فشار و محدودیت، وارد مرحله‌ای جدید و امیدبخش شده است. مرحله‌ای که با اتکا به رای اکثریت مدافعان جامعه مدنی، می‌تواند مبشر گفتمانی جدید بر مبنای اصول شایسته‌سالاری، اجتناب از سیاست‌های جانبدارانه و تنگ‌نظرانه گروهی و استفاده از روش‌های مسالمت‌جویانه‌باشد.»

همچنین در بخش دیگری از این بیانیه مطالباتی از سوی هنرمندان به دولت جدید به این شرح ارایه شده است:

۱-پذیرش مشورت و مشارکت هنرمندان و متخصصان در برنامه‌ریزی کلان برای توسعه فرهنگ و هنر، اصلاح نظام آموزشی و قوانین و آیین‌نامه‌های مرتبط با این حوزه با هدف ارتقای کیفیت هنری و سلیقه عمومی.

۲- اختصاص بودجه خاص برای توسعه و تجهیز زیرساخت‌های فرهنگ تصویری.

۳- پذیرش مشارکت موثر انجمن‌های صنفی و فرهنگی، هنری هنرمندان و شورایعالی خانه هنرمندان در انتخاب مدیران باصلاحیت هنری به‌ویژه مدیر موزه هنرهای معاصر و خانه هنرمندان.

۴- اصلاح نظام ناکارآمد آموزش هنر در دانشگاه‌ها از طریق تغییر نظام گزینش استاد.

۵- امکان نمایش آثار در گالری‌ها بدون محدودیت و ممیزی فراهم شود و نمایش آثار هنری تا جایی که مخل آزادی دیگران یا توهین به اعتقادات آنها نیست آزاد باشد.

۶- لغو محدودیت و ممیزی در مطبوعات، فضای مجازی و کتب تخصصی هنر.

۷- عدم دخالت نهادهای غیرمرتبط و موازی با وزارت ارشاد در حوزه هنرهای تجسمی.

۸- لغو تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌های هنری.

۹- اصلاح قانون بیمه درمانی و بازنشستگی برای تمام هنرمندان از طریق لغو محدودیت‌های مربوط به سن یا جنسیت.

۱۰- اصلاح قوانین مربوط به صدور اجازه تاسیس، انحلال و نظارت بر فعالیت گالری‌ها.

عکس روز

مسوولان «موزه خودرو پترسون» واقع در جنوب کالیفرنیا به مناسبت بیستمین‌سال تاسیس این موزه در سال ۲۰۱۴ بازسازی گسترده‌ای را در نمای بیرونی این ساختمان انجام داده‌اند. آنها اعلام کرده‌اند نمای بیرونی این موزه دربرگیرنده هنر، تجربه، فرهنگ و میراث پیده‌ای به نام «اتومبیل»است. این موزه درصدد است تا نقش و جایگاه هنر و فرهنگ را در خودروسازی نشان دهد.

عکس:AFP

چهره روز

محمد رحمانیان به صحنه رفت

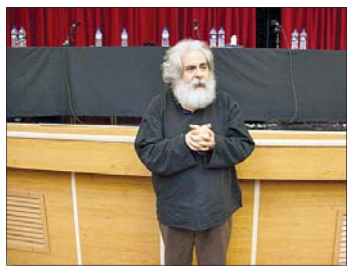

● **شرق:** محمد رحمانیان و مهتاب نصیرپور بعد از چندسال دوری از تئاتر ایران روز شنبه دوم‌شهریور در میان استقبال علاقه‌مندان به تئاتر به‌روی صحنه رفتند و به‌همراه یک گروه ۱۹نفره بازیگر، نمایش «شب سال‌نو» را نمایشنامه‌خوانی کردند.

در این برنامه نمایشنامه‌خوانی که به‌نفع کودکان بیمار به همت انجمن خیریه برکت برگزار شد؛ ناصر تقوایی کارگردان و نویسنده پیشکسوت حضور داشت و بعد از پایان نمایش به‌روی صحنه رفت و محمد رحمانیان را در آغوش کشید. محمد رحمانیان وقتی به سالن آمد بابت نبودن فرصت کافی برای تمرین و اطلاع‌رسانی و نیز شتابزده‌بودن شرایط اجرا و همچنین ایستاده تماشاکردن برخی از علاقه‌مندان، عذرخواهی کرد.

این کارگردان تئاتر با اشاره به اینکه ۱۹بازیگر در این کار نقش‌خوان هستند، گفت: «این نمایش را یک‌بار اجرا کرده‌ام و می‌خواستم زمانی که به اینجا آمدم آن را بار دیگر اجرا کنم. البته شاید این نمایشنامه‌ای است که من نباید می‌نوشتم و سعی کردم ادای دوستانی مانند امجد، محمد چرمشیر یا علیرضا نادری را دربیاورم. می‌خواستم یک دوره تاریخی را ثبت کنم و از آنجا که قصد داشتم شاهدانی برای این دوره تاریخی داشته باشم، این کار را اجرا می‌کنم»

در این نمایشنامه‌خوانی بازیگرانی چون حبیب رضایی، علی عمرانی، افشین هاشمی و اشکان خطیبی روی صحنه آمدند. تشویق تماشاگران که روی نرده‌های سالن ارسباران هم نشسته بودند، باعث شد رحمانیان خطاب به نقش‌خوانان بگوید: «بچه‌ها با این‌همه تشویق، سعی کنید تپق نزنید.»

سپس رحمانیان با اشاره به اینکه اشکان خطیبی به‌همراه یکی دیگر از نقش‌خوانان، آوازخوانی در حین اجرا خواهد داشت، خاطرنشان کرد که این اجرا برای حمید امجد و به‌یاد اکبر رادی خواهد بود.